

کیهان

یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد آیین مقدس اسلام نسبت به بیشتر آیین‌های مذهبی، اهمیت بسزایی است که برای بهداشت فرد و اجتماع و سلامت انسان و محیط‌زیست قائل است. پیامبراکرم(ص) فرمودند: «**الْعِلْمُ عَلَانٌ؛ عِلْمُ الْاِنْيَانِ، وَعِلْمُ الْاَدْنْيَانِ**؛ دانش بر دو گونه است: دانش مربوط به دین و دانش مربوط به تن»(دین‌شناسی و بدن‌شناسی).^(۱)

احادیث و رهنمودهای فراوانی از بزرگان دین برای حفظ صحت و تقویت بدن بیان شده‌اند؛ از جمله: پیامبر(ص) می‌فرماید: «**لَنْ يَرْبِكَ عَلِيْكَ حَقًا، وَ اِنْ لَجِسْتِكَ عَلِيْكَ حَقًا وَ لَاهِلِكَ عَلِيْكَ حَقًا؛** پروردگارت بر تو حقی دارد، و بدنت بر تو حقی دارد و خانواده‌ات انبیا را بر تو حقی دارد».^(۲)

نیز فرمود: «**طُوبَى لِمَنْ اسْلَمَ وَ كَانَ عَيْشُهُ كِفَاؤًا وَ قُوَاهُ شِدَادًا؛** خوشبخت کسی است که اسلام را بپذیرفته و به قدر معاش خود درآمد و بدنتش نیرومند است».^(۳)

عالی‌ترین ورزش از نگاه اسلام پیاده‌روی است. سعی بین صفا و مروه خانه خدا، نماد و تمثیل آشکاری از پیاده‌روی به سوی حق است. پیاده‌روی ورزشی است که نیاز به امکانات خاصی ندارد و حتی فرد می‌تواند در منزل خود هم آن را انجام بدهد. امروزه پیاده‌روی به عنوان بهترین ورزش برای درمان بیماری‌ها شمرده شده و این حقیقتی است که پیامبر(ص) نیز درباره آن فرموده است: بهترین چیزی که خود را با آن درمان می‌کنید، پیاده‌روی است.

همچنین در دعائی عرض می‌شود: «**هَسُنَ عَلَيْنَا بِالنَّسَاطِ وَ اَعْنَا مِنَ الْفَشْلِ وَ الْكَسَلِ وَ النَّعْزِ وَ الْعِلْلِ وَ الصَّرِّ وَ الصَّجْرِ وَ الْمَلْلِ؛** خدایا! نعمت سرزندگی و کوشایی را به ما ارزانی دار و از سستی، تنبلی، ناتوانی، پنهان‌گیری، زبان، دلمردگی و ملال، محفوظمان دار.»^(۴)

اسلام دعایی از قرآنیان از دعای کمیل این‌گونه با خدای تعالی سخن می‌گوید: «یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ، قُوِّ عَلَيَّ حِمَّتِكَ جَواحِرِ؛ پروردگارا! پروردگارا! اعضاء و جوارح مرا در راه خدمت به خودت قوی و نیرومند گردان.»

و امام سجاده(ع) در دعای ابوحنزه ثمالی از خداوند می‌خواهد: «**اَللّهُمَّ اعْطِنِي... الصِّحَّةَ فِى الْجِسْمِ وَ الْقُوَّةَ فِى الْبَدَنِ،** خداوند، سلامتی در جسم و توانایی بدنی به من ارزانی فرما!» تربیت بدنی و ورزش، بخصوص ورزش‌های رزمی در اسلام به قدری اهمیت دارد که پیامبراکرم(ص) آن را در زمره یکی از حقوق فرزندان برمی‌شمارند: «**حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ اَنْ يَتَعَلَّمَ الْكِتَابَةَ، وَ السِّبَاحَةَ، وَ الرِّمَاءَةَ، وَ اَنْ لَا يَرْزُقَهُ اِلَّا طَيِّبًا،** حق فرزند برعهده پدرش این است که به او نوشتن، شنا کردن و تیراندازی آموزش دهد و روزی او را تنها از راه‌حلال و پاکیزه تهیه کند».^(۵)

این احادیث نورانی بیانگر اهمیتی است که دین ما برای ورزش و سلامت جسمی و روان مسلمانان قائل است و بیانگر نکات بسیاری است، از جمله:

- خطاب به همه مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان بیان شده است.
- همه افراد اعم از دختر و پسر را دربر می‌گیرد نه‌تنها پسران را.
- ورزش باید جذاب، مفزع و شاد باشد.
- امکان رقابت بین افراد وجود داشته باشد.
- در مواقع لزوم از آنها برای دفاع از خود استفاده کنند.
- هدفمند باشد، نه بوج و بیهوده.
- پژوهشگران دامناکسی به این نتیجه رسیده‌اند که میزان مرگ و میر در میان کسانی که پیاده‌روی می‌کنند در مقایسه با کسانی که تحرک ندارند، یک‌سوم کمتر است. مدیر این پژوهش «پیتر شنوهر» مکتب‌ساز قلب می‌گوید: «برای سلامتی، فعالیت بدنی مفید است. کسانی که بی‌تحرکند در وضعیت فیزیکی ضعیفی قرار دارند. باید با سرعت زیاد پیاده‌روی کرد. چون این کار، تأثیر بیشتری روی بدن می‌گذارد».^(۵۴)

بسیاری از بیماری‌ها مثل افسردگی، دیابت، فشار خون و بیماری‌های قلبی با ورزش و نرمش قابل پیشگیری هستند. «**شنا** باعث شادی و نشاط انسان می‌شود. آبتنی و شنا در آب، به خاطر خنک‌کنندگی، نشاط جسم و شادی روح را به همراه دارد و به پوست نیز طراوت و زیبایی می‌بخشد. آثار مسازدهندگی آب، باعث کم شدن فشارهای ناشی از خستگی روزانه و تمدد اعصاب می‌شود و آرامش خاطر را به انسان بازمی‌گرداند.»

گاهی خداوند با بندگان مکر می‌کند، یعنی وقتی بنده‌ای با خدا مکر می‌کند خدا هم او را مکر می‌کند: «و مکروا و مکرتلله و الله خالرا للمکربین» (آل عمران / ۵۴) مکر در مورد خداوند چه معنی دارد؟ مکر خدا ن وقتی است که کار خدا، یعنی سنت الهی، آن شکل پوشیده خود را پندای می‌کند.اینکه «مکر» گفته می‌شود به اعتبار این است که نظری ما این فعل را به خدا نسبت می‌دهیم از نظر شکل کار است نه از نظر روح کار. یک انسان که به انسان دیگر مکر می‌کند، معنایش این است که طوری با او رفتار می‌کند که او راز و رمز کار این را نمی‌فهمد و نمی‌داند. البته همه مکرها در مورد انسان‌ها نیستند.مکر یک انسان نسبت به انسان دیگر ممکن است بر اساس سونیت باشد و ممکن است بر اساس حسن نیت باشد در جایی که انسان با یک مکار مکر می‌کند. لازمه ایمان این نیست که انسان نسبت به روشی را که در مقابل دیگران پیش می‌گیرد صدرصد آشکار کند و به اصطلاح امروز دستت خود را رو کند تا طرف بجواند و بعد بر ضدش رفتار کند. این حرف است. منتها فرق میان مکر خوب و مکر بد- که

۱- سوارکاری: طبق روایات متعدد پیامبر(ص) با یکی از یاران خود به نام «اسامه بن زید» در مسابقه اسب‌دوانی شرکت کرد و جایزه مسابقه را سه نخل خرما تعیین فرمود! امام سجاده(ع) تحقیقات بسیاری رندند: «**اَنَّ النَّبِيَّ اَجْرَى وَرِشَ عَلاَوهٖ اِنَّهٗ اَبْرار اَرزشمندی برای حفظ سلامت جسمانی است، رابطه نزدیکی با سلامت روانی و به‌ویژه پیشگیری از بروز ناهنجاری‌های روانی دارد، ورزش را اضطراب و افسردگی می‌کاهد، اعتماد به نفس را افزایش می‌دهد و در سنین کودکی و نوجوانی، راهکار سالمی برای آزاد کردن انرژی‌های اندوخته شده است.**

در نتیجه‌ی تمرینات ورزشی مداوم، میزان جریان خون در مغز افزایش می‌یابد. افزایش جریان خون موجب اکسیژن‌رسانی

بیشتر و تغذیه بهتر نرون‌های مغز می‌شود و از تنگ شدن عروق مغز جلوگیری می‌کند.

معارفMaarefkayhan@Kayhan.ir

اگرچه همه ورزش‌هایی که در جهت سازندگی و تقویت و پرورش جسم باشند و پیامدهای زیانبار فردی و اجتماعی و فکری و اخلاقی نداشته باشند، از نظر اسلام مباح شناخته شده‌اند، ولی از آنجا که شریعت اسلام بین جسم و روح ارتباط تنگاتنگی قائل است، از این جهت پیش‌سوایان دینی ما بیشتر ورزش و مسابقاتی را توصیه کرده‌اند که در سازندگی و پرورش جسمی در کنار جنبه سرگرمی و تفریحی نقش بیشتری دارند و موجب کسب آمادگی رزمی و دفاعی در مقابل دشمن می‌شوند.

تربیت بدنی در اسلام

عسکری اسلامیور کریمی



کندید من هم با شما تیراندازی می‌کنم و پیامبر(ص) با هر گروه تیراندازی کرد».^(۱۱۸) پرداخت».^(۱۱۹)

همچنین در روایتی از امام سجاده(ع) آمده است: «**اَنَّ رَسُولَ اللهِ(ص) اجْرَى الْخَيْلِ وَ جَعَلَ سَبْقُهَا اَوْلٰقِيْ مِنْ فَيْضِهٖ؛** رسول خدا(ص) مسابقه اسب‌دوانی اسب دوایند، و جایزه‌اش را چندین «آبی»^(۱۲۰) از نقره قرار داد».^(۱۲۱)

۲- تیراندازی: یکی دیگر از ورزش‌هایی که اسلام روی آن تأکید کرده، «تیراندازی» است. پیامبراکرم(ص) یکی از حقوق فرزند را آموزش تیراندازی می‌داند.^(۱۲۲)

هر ورزشی که توان رزمی مسلمانان را افزایش دهد، از نظر اسلام، محبوب و مطلوب است. کاراته، تکواندو، جودو، جوجیتسو، کوهنوردی، دفاع شخصی، دوومیدانی و آموزش‌های رزم تن به تن و سرنیزه نیز ورزش‌های رزمی محسوب شوند. امروزه ارتش‌های بزرگ و نیرومند دنیا به کماندوها و نیروهای ویژه عملیات‌های دشوار و خطرناک، این ورزش‌ها را آموزش می‌دهند.

در روایتی از آن حضرت آمده است: «**عَلَيْكُمْ بِالرِّمِيِّ فَإِنَّهُ نَجِيْرٌ لِّهَوْمِكُمْ؛** به تیراندازی و تیراندازی می‌شود. زیرا یکی از بهترین سرگرمی‌ها شما است».^(۱۲۳)

شیخ طوسی(ره) در کتاب «المبسوط» می‌نویسد: «**اَنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ) بِقَوْمِ الْاَنْصَارِ يَتَرَمَوْنَ قَاتِلًا؛** آن‌امع الحزب، آندی قبه این اُرُجح فأمسك الحزب الآخر، و قالوا لن نَعْلَبَ حَزْبَ قِبه رسول الله فقال: که پیر شدای؟»^(۱۲۴)

به آنجا که استحقاق این مقدار لطف را هم ندارد که خداوند با چشاندن اثر گناه، او را بیدار کند و به او بفهماند. این [چشاندن] خودش یک نعمت و لطفی است از پروردگار. گاهی این لطف از او گرفته می‌شود؛ کار بد می‌کنی، می‌بینی برعکس به‌جای اینکه یک‌اثر بد ببیند اثرهای خوب می‌بیند، یعنی نعمت‌ها بیشتر بر او می‌بارد. باب نعمت بیشتر به روی او باز می‌شود، هیچ اثر بد ظاهری نمی‌بیند. آیا این از باب این است که کار بد اثر بد ندارد؟ به قضیه برعکس می‌شود، یعنی جریان کار عالم با انسان طوری رفتار و عمل می‌کند که راز مطلب بر انسان پوشیده است و انسان ضد آنچه بر انسان پوشیده است و انسان ضد آنکه بر هست خیال می‌کند.

مثلاً، اگر فرض کنیم که انسان معصیتی را انجام بدهد و بلافاصله یا با فاصله کم نتیجه بد آن معصیت را ببیند، این یک کار آشکار است. یعنی عمیل‌العمل دارد ولی عمیل‌المعمل آشکار.

با کار خیری انجام بدهد و اثر کار خیر خودش را خیلی واضح در عمل مشاهده کند؛ این یک کار آشکار است. اینکه انسان کار بد بکند و خود اثر کار بد خود را احساس کند، خودش یک نعمتی است برای انسان. ولی یک وقت انسان می‌رسد

اگرچه همه ورزش‌هایی که در جهت سازندگی و تقویت و پرورش جسم باشند و پیامدهای زیانبار فردی و اجتماعی و فکری و اخلاقی نداشته باشند، از نظر اسلام مباح شناخته شده‌اند، ولی از آنجا که شریعت اسلام بین جسم و روح ارتباط تنگاتنگی قائل است، از این جهت پیش‌سوایان دینی ما بیشتر ورزش و مسابقاتی را توصیه کرده‌اند که در سازندگی و پرورش جسمی در کنار جنبه سرگرمی و تفریحی نقش بیشتری دارند و موجب کسب آمادگی رزمی و دفاعی در مقابل دشمن می‌شوند.

در سیره نورانی امام صادق(ع) آمده است: آن حضرت شخصاً در مسابقه تیراندازی حاضر می‌شدند و در شرطبندی آن شرکت می‌فرمودند».^(۱۲۵)

درباره مسئله شرطبندی در مسابقات در فقه اسلامی بحثی با عنوان (سَبَق و رمایه) مطرح شده است. می‌فرماید: شرطبندی با پول در مسابقات اسب‌دوانی، تیراندازی و شمشیربازی جایز است. امام صادق(ع) فرمودند: «در هیچ مسابقه‌ای شرطبندی پولی جایز نیست، مگر در تیراندازی، شمشیربازی، پرتاب نیزه، شتردوانی و حتی مسابقه با فیل و کلیه حیوانات سمار».^(۱۲۶)

در روایت نبوی آمده است: «فرشتگان الهی از برد و باخت و قمار و شرطبندی نفرت دارند و بر مرتکبان آن لعنت می‌فرستند، جز در مسابقه تیراندازی و اسب‌سواری».^(۱۲۷) البته، بسیاری از ورزش‌ها که در اسلام به آنها اهمیت داده شده و با شرطبندی در آنجا جایز دانسته شده و یا از محدوده لهو، خارج محسوب شده‌اند، بدین جهت است که رزمی هستند و توان رزمی مسلمین را بالا می‌برد. از جمله این ورزش‌ها می‌توان از سوار کاری و تیراندازی و شنا نام برد.

۳- شنا: از جمله ورزش‌هایی که به آن سفارش شده، ورزش شناست. پیامبر(ص) فرمود: «**عَلِمُوا الْوَالِدَانَكَ السِّبَاحَةَ وَ الرِّمَاءَةَ؛** به فرزندان‌تان شنا کردن و تیراندازی بیاموزید»^(۱۲۸) همچنین فرمود: «**حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ... اَنْ يَتَعَلَّمَ السِّبَاحَةَ؛** حق فرزند بر پدرش این است که به او شنا کردن بیاموزد»^(۱۲۹) شنا از جمله ورزش‌های نشاطآور و عاملی برای سلامتی جسم و روح است. پیامبر(ص) روایتی فرمودند: «**حَسْبُ نَهْوِ الْمُؤْمِنِ السِّبَاحَةَ؛** بهترین سرگرمی مؤمن شنا کردن است».^(۱۳۰)

۴- کشتی: در منابع روایی از ائمه معصومین(ع) آمده که ورزش «کشتی» نیز همواره مورد تشویق ایشان بوده است. حضرت **۳- شنا از جمله ورزش‌های نشاط‌آور و عاملی برای سلامتی جسم و روح است، پیامبر(ص) در روایتی فرمودند: بهترین سرگرمی مؤمن شنا کردن است.**

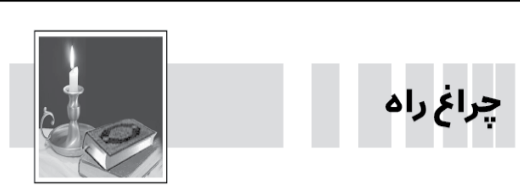
ابوطالب فرزندان خود و برادرزاده‌هایش را جسع می‌کرد و آنها را به کشتی گرفتن وامی‌داشت و دیده می‌شد که حضرت علی(ع) آن حضرت در باغ فدک ساعت‌ها به کار سخت جسمانی مشغول می‌شدند. همچنین سید بن طلوسو در کتاب «الأمان من أخطار الأفسار و الأزمان» از کتاب «دلائل الاممه» محمد بن جریر طبری نقل کرده که امام صادق(ع) فرمودند به همراه پدر بزرگوارش امام محمد باقر(ع) در بارگاه هشام خلیفه اموی در شام حضور یافتند و در آنجا مسابقه تیراندازی برپا بود. در آن حال هشام، امام باقر(ع) را دعوت به شرکت در مسابقه تیراندازی کرد، اما امام فرمود: من بی شده‌ام و موقع تیراندازی‌ام پرداختند. هشام با اصرار تیر می‌زد و کمان یکی از شخصیت‌های بنی‌امیه را گرفت و به دست امام باقر(ع) داد تا آن حضرت در مسابقه تیراندازی شرکت کند.

امام بعد از این‌جبار، کمان را گرفتند و تیری در چله کمان نهادند و پس از نشانه‌گیری هدف، تیر را رها کردند و تیر در نقطه وسط هدف جای گرفت. تیر دوم هم به وسط تیر اول اصابت کرد و آن را شکافت. آن حضرت ۹ تیر پشت‌سر هم به هدف زدند که تیر قبلی را شکافت و در یک‌دیگر داخل شد، آنچنان که هشام به اضطراب گرفتار شد و به تحسین آن حضرت مزایا گسود و گفت: خوب زدی! تو بهترین تیرانداز عرب و عجم هستی، چگونه می‌گفتی که پیر شدای؟^(۱۳۱)

گاهی نیست که من در دنیا نکرده باشم و هیچ اثر بدی هم از آن ندیده‌ام. شعیب به خدای خودش عرض کرد: خدایا! این بنده چنین می‌گوید: خودم هرگز ترا در پراختن و خودت نمی‌دانی! بدترین نوع گرفتن تو همین است. اینکه یک‌اثر بد ببیند اثرهای خوب می‌بیند، یعنی نعمت‌ها بیشتر بر او می‌بارد. باب نعمت بیشتر به روی او باز می‌شود، هیچ اثر بد ظاهری نمی‌بیند. آیا این از باب این است که کار بد اثر بد ندارد؟ به قضیه برعکس می‌شود، یعنی جریان کار عالم با انسان طوری رفتار و عمل می‌کند که راز مطلب بر انسان پوشیده است و انسان ضد آنچه بر انسان پوشیده است و انسان ضد آنکه بر انسان مهلت می‌دهد، پس سوادش است! ما به آنان مهلت می‌دهیم، مسئله اسنادج است، تو هم نباید عجله داشته باشی، عجله نکن، مبدا در عذاب اینها استجدال کنی که فوراً و بلافاصله آنازل شود! اشتباهی که یونس مرتکب شد، که باید در مقابل گناهان قوم خودش صبر می‌کرد تا مهلت و وقت استدراج الهی پایان یابد؛ این

گاهی نیست که من در دنیا نکرده باشم و هیچ اثر بدی هم از آن ندیده‌ام. شعیب به خدای خودش عرض کرد: خدایا! این بنده چنین می‌گوید: خودم هرگز ترا در پراختن و خودت نمی‌دانی! بدترین نوع گرفتن تو همین است. اینکه یک‌اثر بد ببیند اثرهای خوب می‌بیند، یعنی نعمت‌ها بیشتر بر او می‌بارد. باب نعمت بیشتر به روی او باز می‌شود، هیچ اثر بد ظاهری نمی‌بیند. آیا این از باب این است که کار بد اثر بد ندارد؟ به قضیه برعکس می‌شود، یعنی جریان کار عالم با انسان طوری رفتار و عمل می‌کند که راز مطلب بر انسان پوشیده است و انسان ضد آنچه بر انسان پوشیده است و انسان ضد آنکه بر انسان مهلت می‌دهد، پس سوادش است! ما به آنان مهلت می‌دهیم، مسئله اسنادج است، تو هم نباید عجله داشته باشی، عجله نکن، مبدا در عذاب اینها استجدال کنی که فوراً و بلافاصله آنازل شود! اشتباهی که یونس مرتکب شد، که باید در مقابل گناهان قوم خودش صبر می‌کرد تا مهلت و وقت استدراج الهی پایان یابد؛ این

صفحه ۷
سه‌شنبه ۲۱ آذر ۱۴۰۲
۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ – شماره ۲۳۴۶۸



چراغ راه

مرور زمان و افشای پشت پرده‌ها

قال الامام الجواد(ع): «الایام تهتك لك الامر عن الاسرار الكامنه».

امام سجاده(ع) می‌فرماید: روزگار از رازهای نهنفته، برایت پرده برمی‌دارد.^(۱)

۱- بحار‌الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۴

حکایت خوبان

جهاد باید فی سبیل الله باشد

در جنگ احد یکی از انصار(مسلمانان ساکن مدینه) خیلی در این جنگ شجاعت به خرج داد و افراد زیادی را به خاک انداخت و خودش هم مجروح شد و لحظات آخر عمرش را طی می‌کرد، بعضی آمدند خدمت پیامبر(ص) و گفتند: یا رسول‌الله! فلانی خیلی مجاهد خوبی بود و شجاعانه جنگید و فعالیت کرد. حضرت التفاتی نکرد، بار دیگر این سخن را گفتند و پیامبر(ص) بازهم توجهی نکرد. اسباب تعجب شد چرا پیامبر(ص) به این سرباز فداکار اهمیت نمی‌دهد؟ تا اینکه یکی از مسلمانان بر بالین او رفت و گفت: مرحبا تبریک می‌گویم به تو که در راه خدا جهاد کردی و الان داری شهید می‌شوی. او گفت: من فی‌سبیل‌الله و شهید فی‌سبیل‌الله سرم نمی‌شود، من دیدم مردم مکه و مدینه دارند با همه‌دیگر می‌جنگند، تعصب قومی و وطنی مرا وادار کرد که در جبهه اهل مدینه بچنگم... تازه فهمیدند که چرا پیامبر(ص) اعتنایی نکرده!

۱- ازادی انسان، شهید مرتضی مطهری(ره)، بنیش مطهر، ج ۲، ص ۱۳

پریش و پاسخ

بی‌نا یا نابینا بودن انسان در آخرت

پرش:
قرآن کریم از یک سو می‌فرماید: **هر کس در این دنیا کور(دل) باشد، در آخرت هم کور(دل) خواهد بود.** اما از طرف دیگر قرآن می‌فرماید: افرادی که وارد سرای آخرت می‌شوند، دیدگانشان در آن روز تیز می‌شود. یا در آیه دیگری تصریح می‌کند که «همان‌گونه که شما را پدید آورد به سوی او برمی‌گردید» آیا این اختلاف در دو دسته از آیات موهم تعارض و تناقض در آیات قرآن نیست؟

آیات موهم تعارض

خدای متعال در قرآن کریم از یک سو می‌فرماید: **هر کس در این دنیا کور(دل) باشد، در آخرت هم کور(دل) خواهد بود.** اما از طرف دیگر برای کسانی که وارد سرای آخرت می‌شوند، دیدگانت امروز (در سرای آخرت) تیز است»(ق- ۲۲) همچنین در سوره اعراف آیه ۲۹ می‌فرماید: «همان‌گونه که شما را آفرید (به سوی او) برمی‌گردید» و آیات دیگری از این دست. آیا این اختلاف و ناسازگاری در این دو دسته آیات موهم تعارض و تناقض است؟

پاسخ شبهه

۱- آیه اول در مقام بیان این مطلب است که هر کس در این دنیا هر حق را طی نکند و از بدترین آموزه‌های وحیانی خداوند کور باشد، در آخرت نیز بی‌روی سعادتی و رستگاری را ندیده و راهی به سوی مغفرت نمی‌بیند، یعنی در واقع چشمی که با آن توانف بدو، رحمت و مغفرت الهی را ببیند ندارد. «فانها لا تعمی الاعصار و لکن تعمی القلوب التي فی الصدور» در حقیقت چشم‌ها کور نیست، اما دل‌هایی که در سینه‌ها است کور می‌باشد. (حج- ۴۶) اما در آیات نمود و مضمون شبهه‌کننده خلط محبت کرده، زیرا کلمه «بده» ظهور در ابتدای خلقت دنیوی انسان و یا نظیر به رجوع تمام موجودات به حالتی است که قبل از آغاز خلقت داشته‌اند و در آن حالت هیچ بوده‌اند. همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قلیل ذکر نبود؟ (دهر- ۱) یا در آیه دیگری می‌فرماید: تو را در حالی که قبلاً چیزی نبودی آفریدم. (مریم- ۹) بنابراین مراد از آیات فوق آن است که ما خلق را بمیوت می‌کنیم، همان‌طور که قبلاً ایجاد کردیم، و این آیات اشاره‌ای به محسور شدن کور یا بی‌نا ندارد. طبیعی است در روز قیامت که «یوم ثلثی السرائر» روزی که همه رازها، فلش می‌شود.(طارق- ۹) باید افراد قدرت بینایی و چشم سر داشته باشند تا نامه اعمال خویش را ببینند و خود در مورد خویش قضاوت کنند. حتی چشم تیزبینی هم نصب انسان‌ها می‌شود که دیگر به وضوح حق را از باطل تشخیص ندهند. «فیصبرک ایوم حدیده» همچنین بتوانند کارنامه اعمال خود و کتاب رفتارهای دنیوی خود را بخوانند. «فأرتا کتابک» کتاب (اعمال خود) را بخوان.(سراء- ۱۴) ۲- عمده اشکالی که برای شبهه‌کنندگان ممکن است پیش آید، از ناحیه این استند دوم است. حال آنکه مفاد این آیات «فیصبرک ایوم حدیده» آن است که در روز قیامت دیگر جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند، نه اینکه چشمان انسان‌ها قوی‌تر می‌شود، و انسان‌ها با یقین و مرتبه بالای آن حق‌الیقین وارد سرای آخرت می‌شود. به عنوان مثال وقتی گفته می‌شود، فلانی در علم فقه بصیر است، یعنی اینکه او قنیه و شایسته‌ای است که اشرف کامل در علم فقه دارد، نه اینکه او با چشم سسر خود فقه را از خوبی می‌بیند؛ بنابراین منظور از بصر در این آیات شریفه تنها چشم سر نمی‌باشد.

۳- احتمال دیگری نیز در این آیات دیده دوم داده شده که عبارت است از: اینکه منظور از این آیه کفار هستند که در دنیا منکر معاد بودند و در روز قیامت از این جهالت و حماقت به واقفان به در خواهند آمد. لذا با آیات دسته اول هیچ‌گونه تعارض و منافاتی ندارد. البته می‌توان از دیگر نظری تیز بین به آیات دسته دوم نگریست. و گفت: خطاب آیه برای همه نفوس است زیرا هیچ‌کس نیست (جز اولیاء و انبیای الهی) که حافلان ساعاتی از یاد خدا غافل نشود ولی در روز قیامت این غفلت، از بنیان برداشته می‌شود و به وضوح همگان به یقین می‌رسند و هرآنچه را که حق و واقعیت است، به راستی درک می‌کنند، ولی آیات دسته اول در مورد دیگری است. البته در جایی که به هنگام عرضه شدن کفار و منافقین بر آتش جهنم، با چشمانی که غبار ذلت و خواری بر آن نشسته است، نظاره‌گر این صحنه هستند و از این جهت نیز هیچ‌گونه تعارض و منافاتی بین این دو دسته از آیات نیست.



سلوک عارفانه

شکوفایی جامعه و رفع مشکلات بشر
با استفاده صحیح از قرآن
به یقین قرآن کریم مهم‌ترین متن علمی و تربیتی است که استفاده صحیح از آن موجب شکوفایی جامعه و رفع مشکلات بشر خواهد شد. کوچک کردن این بزرگ‌ترین کتاب آسمانی در حد فقط تلاوت، قرانت، تجوید، صوت و لحن و اموری مانند آن، جفایی نابخشوندی، ولی متداول در حق این ودیعه الهی است.^(۱)

۱- بنیش و رفتار قرآنی، شهید مرتضی مطهری(ره)، بنیش مطهر، ج ۱، ص ۱۳

صفحه معارف روز‌های: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۳۹۴۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir